



چرا در دنیای مجازی شادیم و در دنیای واقعی افسرده؟

شادی‌های مجازی را نمی‌توان به پای شادی اجتماعی‌مان گذاشت و چنین برداشت کرد که ما ایرانی‌ها افراد شادی هستیم که به راحتی با هر چیزی شوخی می‌کنیم.

شادی‌های مجازی را نمی‌توان به پای شادی اجتماعی‌مان گذاشت و چنین برداشت کرد که ما ایرانی‌ها افراد شادی هستیم که به راحتی با هر چیزی شوخی می‌کنیم.

به گزارش پایگاه خبری تیک (Tik.ir)؛ نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان درگیر ناشادی جمعی هستند: بر مبنای «گزارش جهانی شادی» در سال ۲۰۱۶ ایران از لحاظ شاخص‌های نشاط عمومی در میان ۱۵۷ کشور مورد بررسی در رتبه ۱۰۵ قرار داشت. این رتبه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب به ۱۱۶ و ۱۱۷ کاهش یافت، موسسه آمریکایی گالوپ نیز به تازگی در یک نظرسنجی ایران را جزو ۱۰ کشور غمگین جهان معرفی کرد. همچنین بر اساس گزارشی از مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری با عنوان «آینده پژوهی ایران ۱۳۹۶»، ۷۵ درصد از مردم دچار یأس و ناامیدی هستند.

از این دست پژوهش‌ها که تاکید بر ناشادی جمعی ما دارند کم نیست؛ تجربه زیسته‌مان هم چیزی جز این نمی‌گوید؛ ما دلایل زیادی برای ناشادی داریم: حس درماندگی، پیش‌بینی ناپذیر بودن آینده، وضعیت بد اقتصادی، نوساناتی که مدام درگیرمان می‌کند، وجود موانع ساختاری در برابر تکوین و گسترش فرهنگ شادی و صد‌ها دلیل ریز و درشت دیگر. جامعه ما از افرادی تشکیل شده که روزمرگی‌های خود را با دلهره سپری می‌کنند؛ چیزی که اتفاقاً این روزها بیش از پیش قابل لمس است.

این نسبت ناچیز ما با شادی، اما گاهی زیر سوال می‌رود: آنجا که جدی‌ترین و بعضاً تلخ‌ترین مسائل پیرامون خود را به طنز و سخره می‌گیریم این سوال پیش می‌آید که اگر ما آدم‌های غمگینی هستیم چگونه واکنش غالب و آنی‌مان به برخی مسائل با هجو و خنده ای افسارگسیخته همراه است؟ این موضوع در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن بیش از هر جای دیگری نمایان است. بخش قابل توجهی از پرمخاطب‌ها و به اصطلاح پرلایک‌های شبکه‌های اجتماعی هجو‌ها و مطالبی است که جدی‌ترین مسائل جامعه را به سخره می‌گیرند. شاید شما هم این جمله را شنیده باشید که می‌گویند ایرانی‌ها خیلی هم شادند، با همه چیز و همه کس شوخی می‌کنند!

این تصور زمانی شدت گرفت که شبکه‌های اجتماعی مجازی و حضور در آن‌ها بخش نسبتاً زیادی از روزمرگی‌های ما را پُر کرد. سوال این است که این تضاد بین جامعه واقعی و مجازی را چگونه می‌توان تحلیل کرد. آیا پژوهش‌ها اشتباه می‌کنند و ما آدم‌های واقعا شادی هستیم؟ یا شاید هم باید گفت شادی مجازی ما بی اعتبار است؟ واقعیت این است که نه پژوهش‌ها اشتباه می‌کنند؛ حداقل تجربه زیسته ما که این را می‌گوید، و نه شادی‌های مجازی بی اعتبار؛ بلکه بالعکس هر کدام از این کنش‌ها و واکنش‌های هرچند سطحی دارای ارزش تحلیلی قوی هستند. بنابراین باید جواب این تضاد را در جایی دیگر جست. پیش از هر چیز در رابطه با فضای مجازی باید بدانیم که ما با یک دنیای بدون مرز، فضایی سیال و شکننده، منقطع و نفوذپذیر، متکثر و متنوع، با شاخصه دگرگون‌پذیری مدام، و فقدان چارچوب‌های پیشینی روبه‌رو هستیم.

چنین فضایی با هرگونه ساختار منظم و متصلب، در تضاد است. محیطی زنده، وابسته به حال و کمتر ساختار یافته؛ بنابراین ساخت فضای مجازی این اجازه را به سوژه می‌دهد که راحت باشد.

ما در این فضا با گستره بازنمایی مواجهیم؛ یعنی بازیگران این فضا برای به نمایش گذاشتن کنش خود بسیار کمتر از فضای واقعی متحمل محدودیت‌های ساختار رسمی می‌شوند و برخلاف فضای واقعی تماماً در قاب ساختارها گرفتار نمی‌آیند. از این لحاظ ساختار فضای واقعی آمرانه و مرجعیت محور است؛ در آن الگویی از پیش تعیین‌شده به واسطه قدرت حاکم بر سوژه تحمیل می‌شود که رفتار او را تحت تأثیر قرار داده و عدم تبعیت، رفتاری نا بهنجار تلقی می‌شود.

در مقابل، ساخت فضای مجازی منعطف‌تر است و در بستر آن حس‌رهایی از ساختارها و عرف و هنجارها تا حدودی تجربه می‌شود. مجاز امکان بیشتری برای عرضه خود بیانگرانه می‌دهد. از این رو افراد نگران و ناشاد جامعه به مجاز که

می رسند گونه ای دیگر رفتار می کنند؛ شوخی و خنده و استهزاء سایه خود را بر محدودیت ها می گسترانند و جامعه مجازی را درست مقابل جامعه واقعی مان شاد و دلچسب نشان می دهد. در این فضا تقریباً هیچ فرد و موضوعی از تیررس به استهزاء و شوخی گرفته شدن در امان نمی ماند. «لذت» مهم ترین اصل این جامعه مجازیست. اینجا ساختارها به راحتی می شکنند و از این منظر فضای مجازی کارناوالی تمام عیار است.

شادی های فضای مجازی را باید از این رهگذر مورد بررسی قرار داد؛ ما در مجاز می خندیم و به سخره می گیریم و به طرز افسارگسیخته ای با هرآنچه جدی و حتی بعضاً دردآور است به شکل طنزگونه ای مواجه می شویم. این ها همه نه از آن روست که ما واقعا جامعه شادابی داریم بلکه فضا برای مبارزه با فرهنگ عبوس و خشک رسمی فراهم است و انگار ما را به مبارزه می طلبد. «به زعم باختین کارناوال سرشار از مشارکت های آزاد مردمی است که می خواهند به وسیله استهزا و خنده، با فرهنگ عبوس رسمی به مبارزه بپردازد. خنده در ذات خود نوعی دیالوگ است که در انزوا معنی پیدا نمی کند، بنابراین کارناوال برخلاف فرهنگ رسمی که مبتنی بر مونولوگ است، امری دیالوژیک است.

خنده از این حیث نوعی کنش است که در آن هم برابری وجود دارد و هم آزادی.» خنده و شوخی با به چالش کشیدن جدیت حاکم بر فرهنگ رسمی ساختار سلسله مراتبی را با تمام مناسبات و پروتکل هایش ویران می کند. ما در جامعه مجازی مان با تعلیق نسبی تمایزات و حصار های سلسله مراتبی و ممنوعیت ها مواجه هستیم. این فضا امکان به سخره گرفتن تمام چیز هایی را که در خارج از این فضا صاحب ابهت و جایگاه هستند را فراهم می آورد. در جریان این ریشخند ها و لوده بازی ها جدیت ساخت رسمی نفی می شود و سوژه به واسطه دست انداختن قدرت حاکم و مسلط قدرت نمایی می کند.

طنز و به سخره گرفتن علاوه بر اینکه احساس قدرت سوژه را بالا می برد، فشار ها و سختی های زندگی و تلخی های ناشی از برخی مسائل و تصمیمات را قابل تحمل تر می کند. سوژه ناکام مانده از تجربه ناب لذت در این فضا عقده گشایی می کند. آنکه همواره تحت فشار قوانین و هنجار های اجتماعی- سیاسی قرار می گیرد خود را آزاد پنداشته و سعی دارد از ممنوعیت های اعمال شده تخطی کند.

او که در ساخت واقعی جامعه مجبور به حرکت در داخل چارچوب های معینی است در این ساخت بی نهایت متکثر و منعطف عقده پرواز بر فراز تمام آن ساختار ها و چارچوب ها را می گشاید و لذت قدرتی را تجربه می کند که در فضای واقعی هرگز به آن دست نیافته بود؛ لذتی محصول گریز از هرگونه قاب و چارچوب متصلب که او را محدود می کند.

میل سوژه چنان قدرتی برای درهم شکستن دیوار قوانین پیدا می کند که کمتر تجربه ای از آن را در فضا های رسمی و عمومی می توان سراغ گرفت. حضوری بی واسطه قاب ها و سرشار از میل، فضایی درست مقابل فضای رسمی ایجاد کرده است. منطقه ای با صورت بندی های متکثر و متنوع و کمترکنترل کننده که امکان تولید سوژه خلاق و مولد و البته قدرتمند را فراهم می آورد. او به راحتی و از طریق خندیدن از محدوده ها فرا می رود و به این واسطه انتقام خود را از هر آنچه باعث محدودیتش شده می گیرد.

با این تعبیر، جامعه ناشاد ما با خنده قدرت می طلبد و محدودیت می زداید و تحملش را در برابر سختی ها و ناملایمتی ها بالا می برد. شادی های مجازی را نمی توان به پای شادی اجتماعی مان گذاشت و چنین برداشت کرد که ما ایرانی ها افراد شادی هستیم که به راحتی با هرچیزی شوخی می کنیم./روزنامه اعتماد